

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه سی و نهم

پشتکار فکری

Intellectual Perseverance

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (**Critical Thinking**) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

در دو جلسه گذشته به توضیح دو خصلت مهم فکری پرداختیم و یاد آور شدیم که متفکر نقاد همدلی فکری توأم با انصاف فکری دارد. همدلی فکری را شاید بتوان در کنار اهمیتی که دارد سخت ترین خصلت فکری دانست چون چگونه میتوان با مفاهیم ذهنی خود، از چشم انداز دیگری به یک موضوع نگاه کرد. در عین حال همدلی فکری کمک میکند تا بتوانیم با ایجاد فضای تفاهم، اختلاف نظرها را تا اندازه زیادی حل و فصل کنیم. با آگاهی از اینکه در سیستم فکر و احساس انسان، ادراک اولیه است که الگوریتم تفکر را بکار می اندازد و ما بر اساس ادراک اولیه خود که نشان دهنده این است که چگونه قضایا را می بینیم، دچار نوعی احساس می شویم و متناسب با احساس خود از عقل استفاده کرده و واکنش نشان میدهم. بنابراین شرط همدلی فکری این است که بتوانیم ادراک طرف مقابل را درک کنیم. اجازه دهید با ذکر مثالی نشان دهم که چگونه میتوان با همدلی فکری اختلاف نظرها را برطرف کرد.

پدر و پسری را در نظر بگیرید که بر سر موضوعی اختلاف نظر دارند. پسر که هفده سال سن دارد می خواهد در تعطیلات تابستان ساعات بیشتری را با دوستان خود بگذراند ولی نظر پدر این است که سر شب فرزندش خانه باشد. این پدر و فرزند هر کدام به شیوه خاص خود و متفاوت از دیگری این موضوع را ادراک میکنند. از نگاه پدر با توجه به اینکه آمار اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی بالا رفته بهتر است فرزندش ساعات اولیه شب را خانه باشد. از طرفی احتمال نزاع و درگیری و چاقوکشی بین جوانان زیاد است. همه این دغدغه ها ادراک پدر را تحت تاثیر خود قرار میدهد. حال ببینیم پسر این موضوع را چگونه ادراک میکند. از نگاه پسر، اینگونه است که او دوستان خوب و مطمئنی دارد که سراغ کارهای

خلاف نمی روند. او با خود میگوید من دیگر بچه نیستم و میتوانم از خودم مراقبت کنم. از طرفی اگر به دوستانم بگویم پدرم اجازه نمیدهد بعد از ساعت مثلا هفت شب بیرون باشم مرا به تمسخر خواهند گرفت. در اینجا لازم است این دو نفر با همدلی فکری، هر یک سعی کند ادراک طرف مقابل را در نظر بگیرد و به آن اهمیت بدهد. از این طریق این پدر و پسر میتوانند اختلاف نظر خود را حل و فصل کنند. همین اتفاق می تواند در سطحی وسیعتر بیفتد. مثلا اختلاف بر سر حضور خانم ها در ورزشگاهها با همدلی فکری قابل حل است. گروهی از روحانیون موضوع را به این شکل ادراک میکنند که رفتن خانم ها به ورزشگاه ضرورتی ندارد و از طریق تلویزیون بازی ها را ببینند. یک روحانی که شاید در عمرش هم یک بار به استادیوم نرفته نمی تواند از نگاه یک جوان عاشق تماشای فوتبال موضوع را ببیند. حال ببینیم خانم ها چگونه موضوع را ادراک میکنند. آنها میگویند ممانعت از حضور ما محروم کردن ما از حقوق ماست، چطور در دیگر کشورهای اسلامی مانند عربستان خانم ها به ورزشگاه میروند؟ وارد جزئیات بیشتر نمی شوم. ادراک این دو گروه در قبال یک موضوع واحد با هم فرق اساسی دارد ولی می توانند با همدلی فکری این اختلاف نظر را برطرف کنند. البته کسانی که با انگیزه های سیاسی می خواهند آتش این اختلافات را شعله ور تر کنند میتوانند راهکاری دیگر داشته باشند و از آنچه در اینجا گفته میشود خوششان هم نیاید. ما صرفا از منظر آموزش به موضوع نگاه می کنیم و انگیزه های سیاسی خود و دیگران را وارد نمی کنیم. پس از این مقدمه می پردازیم به موضوع پشتکار فکری به عنوان یکی دیگر از ویژگیهای اخلاقی متفکر نقاد.

پشتکار فکری (intellectual perseverance)

برای انجام هر کار مهم و ارزشمندی باید تلاش کرد و پشتکار داشت. بقول معروف نابرده رنج گنج میسر نمی شود. کسی که بخواهد مهارت فکر کردن را بر اساس آموزه های تفکر نقادانه بیاموزد باید با تلاش و ممارست موانع تفکر منطقی و منصفانه را از سر راه خود بردارد، برخی تکنیک های فکری را بیاموزد و در خود خصلت های لازم برای منصفانه اندیشی را ایجاد کند. بدون شک انجام این کار مهم نیازمند تلاش و پشتکار است.

گاهی فهم و درک نظام فکری یک فیلسوف مانند اسپینوزا دشوار و نیازمند تلاش و پشتکار است. کسانی که دستی بر آتش دارند می دانند فهم اندیشه های فیلسوفانی مانند اسپینوزا، ویتگنشتاین و یا نیچه به سادگی میسر نیست. پشتکار فکری لازم است تا بتوان این اندیشه های ژرف را فهمید و درک کرد. متفکر نقاد به خوبی این موضوع را میداند و اگر در فهم اندیشه و نظریه ای دشواری ببیند، از تلاش دست نمی کشد تا به نتیجه برسد.

متفکر نقاد میداند که گاهی فهم اندیشه و نظریه ای نیازمند زمان است و شاید لازم باشد برای مدتی در وضعیت ابهام باشد تا به نتیجه برسد. تحمل ابهام (ambiguity tolerance) شرط لازم برای دست یافتن به اندیشه های ژرف است، ولی بسیاری از افراد زود خسته میشوند و دست از تلاش می کشند.

چون انسان از یکسو راحت طلب است و از سوی دیگر وضعیت ابهام را دوست ندارد و میخواهد تکلیفش در باره قضایا معلوم باشد. در بحث پیرامون سوگیری‌ها به سوگیری فرار از ابهام اشاره می‌شود و نشان داده میشود انسان تمایل ذاتی به این دارد که از وضعیت مبهم فرار کند، ولو اینکه به ضررش باشد.

متفکر نقاد تحمل باقی ماندن در وضعیت ابهام را دارد. او نیک میداند که گاهی فهمیدن زمان میبرد و باید تحمل باقی ماندن در حالت ابهام را داشت. افراد عادی معمولاً عجله دارند و میخواهند زود مطلب برایشان روشن شود و نسبت به مسئله‌ای باوری مشخص پیدا کنند و بطور کلی حالت تعلیق را دوست ندارند.

گاهی فهمیدن نیاز به تلاش و کوشش دارد. نباید زود خسته شد و از تلاش دست کشید. گاهی حل مسائل پیچیده زمانبر است و باید حوصله به خرج داد. همانطور که فراگیری زبان دوم یا شطرنج یا موسیقی نیاز به زمان دارد و به آسانی بدست نمیاد، تبحر در درست فکر کردن و آموختن فن تفکر هم زمان میبرد. نابغه ریاضی ایرانی، مریم میرزاخانی میگفت ریاضیات زیبایی خودش را تنها به افراد صبور نشان میدهد و برای بقیه سرد و بیروح به نظر می‌آید.

گاهی برای فهم دقیق موضوع یا نظریه‌ای باید وقت گذاشت و زود خسته نشد. استادی میگفت همیشه برای مسائل بسیار پیچیده یک جواب ساده، اما غلط وجود دارد. به پاسخ‌های ساده و نادرست دلخوش نباشیم. گاهی انسان بجای تلاش فکری سعی میکند با اولین تصوراتی که پیدا میکند یا بر اساس شمش خود برای مسئله‌ای جوابی ارائه کند.

نقطه مقابل پشتکار فکری، تنبلی فکری (**intellectual laziness**) است. افرادی که پشتکار فکری ندارند زود از تلاش دست می‌کشند و تسلیم میشوند. باید استقامت ورزید. گاهی موضوعی بسیار پیچیدگی دارد و فهم و درک آن نیاز به حوصله و زمان دارد. در چنین موارد چالش برانگیزی روحیه و منش متفکر نقاد این است که از خود استقامت نشان میدهد. فهم زبان بعضی فیلسوفان مثل اسپینوزا یا ویتگنشتاین سخت است ولی اگر استقامت فکری داشته باشیم فهم آن بسیار شیرین است.

در دانشگاه بعضی دانشجویان، استادی را دوست دارند که مباحث کتاب را در جزوه‌ای خلاصه کند و نیاز به مطالعه کتاب اصلی و مرجع را از آنها بگیرد. چنین دانشجویانی از نظر پشتکار فکری ضعیف‌بار می‌آیند و همینکه نتوانند مطلبی را زود بفهمند از تلاش دست میکشند چون عادت دارند مطلب جویده شده و در دهان آنها گذارده شود.

باید پشتکار فکری از جمله خصلت‌های ما باشد تا بتوانیم به حل مسائل پیچیده کمک کنیم. به محض اینکه دیدیم مسئله‌ای پیچیده است، نباید از آن دست بکشیم و بگوییم کار عقل بشر نیست.

تمرین عملی پشتکار فکری این است که تا مطلب سنگینی را متوجه نشده ایم از آن دست نکشیم.

همواره به خود یادآوری کنیم که وقتی شرایط سخت میشود این سخت کوش ها هستند که ادامه میدهند. در زبان انگلیسی میگویند: **When the going gets tough, the tough get going**

برای اینکه ببینید چقدر پشتکار فکری دارید به این پرسش ها فکر کنید:

کدام موضوع پیچیده فکری بود که با صرف وقت به مطالعه و تفکر پرداختید تا به نتیجه رسیدید؟

کدام موضوع یا فعالیت ذهنی را شروع کردید ولی خسته شدید و ادامه ندادید؟

آیا در ذهنتان یادگیری را فعالیتی ساده میدانید یا پیچیده؟